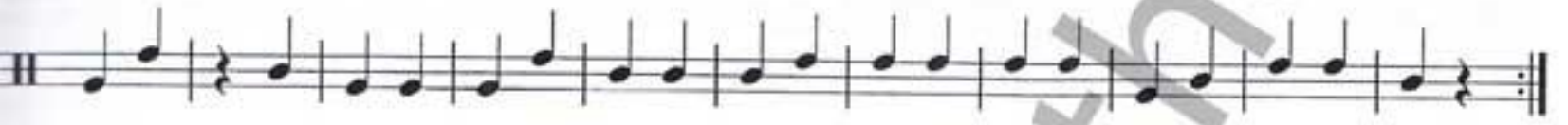


اینکه ما می آیم ، می نوازیم ، می نویسیم و یا نقشی می زنیم در کارگاه هستی ، نه از روی هوس است و نه از روی غرور یا کسب شهرتی کاذب و پوچ . آنکه در این هستی بیکرانه و این جهان می آید تا نقشی کوچک بازی کند تا بتواند به غایت و به آرمان والای بشری دیدی داشته باشد ، شاید از طریق هنر باشد زیرا هنر سرشار از اتحاد است و ریشه آن اتحاد ، حس و عقل است و این طریق جاده ای که ، سالک و رهرو آن طعم خستگی را نمی پذیرد و می رود که به جاودانگی برسد . آنکه هنر مند می شود و یا آغاز راه را دیده و یا گام نهاده ، چه عاشقانه به پیرامون خود اشراف دارد و او می رود که دریچه ای شود یا آینه ای ، تا دیگران خود را در او کشف کنند و او نیز اما در پی کشف خویشتن است . این بیکرانگی ، زاده ی هنر است و هنرمند نامیراترین موجود هستی و در تعالی تبار انسان نقش آفرین است . از اینکه قدری مستانه حرف زدیم از معرفی دوست جوانم ، جناب رامتین کاکاوندی کمی دور شدم . ببخشید زیرا رامتین در هوای زاگرس نفس می کشد او نغمه ساز و مقام عالی موسیقی را بطور موروثی فرا گرفته و کم کم قدم کشیده و اکنون می نوازد و می سازد تا از روح و مفهوم هنر قدری مستانه نفس بکشد تا چه پیش آید . این جوان سرمست و نا آرام و خستگی ناپذیر از حس بالایی و توان سرشار برخوردار است قدر هنر را می شناسد و ارج می نهد به مقام والای هنر . بزرگان گفته اند آنکه به مقام استادی تنبور می رسد بدان که چهل سال عاشقانه پنجه بر ساز کشیده است و نواخته است و در مقام این ساز غرق شده است (نقل به مضمون) . آنکه بر دف می زند همچون بزرگان این عرصه ، بزرگ می آموزد و می نوازد تا مسرور کند ، افسردگان را شادی آفرین باشد در سخت ترین ادروار تاریخ و مایه ی اتحاد و دوستی و آشتی ملت ها گردد . زیرا دف نماد مهتاب است که سینه ی تاریکی را می شکافد تا روشنایی به زمین و به انسان های بیدار هدیه کند . تنها بیداران و هوشیاران هستند که مستی دانند ، چه هنگامی دل ماه گرفته است و برای بیداری و روشنایی جهان بر دف می کوبند تا در دفیدن دف ، آوازی ، پرواز را هدیه کنند و مست و مستانه هوایی تازه را خلق کنند . آری هنر یعنی خلاقیت و طریق پرخطر . رامتین می داند که ساز دف ریشه چندین هزار ساله دارد . در بیرون مردم خاورمیانه تا آندلس تا آنجا که خنیاگری نفس می کشد و نغمه ی دف ، گوش نوا مردمان شده است ، در بین اعراب حتی در جشن و سرور امام زادگان ، خلفا ، بردگان و کولیان آواره و مردان و زنان آزاده ی جهان . اما همین دف در ارکستر بزرگ (نهصد ی شاخوشین ) در الوند همدان در قرن پنجم هجری نقش و حضور داشته است و هم اکنون در ارکسترها حضور گرم دارد .

برای رامتین کاکاوندی پیروزی می خواهیم .

ارادتمند سید قاسم ارژنگ



Musical staff 1: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals.

10

Musical staff 2: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals.

18

Musical staff 3: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals.

26

Musical staff 4: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals.

34

Musical staff 5: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals.

43

Musical staff 6: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals, including triplets and a sextuplet.

51

Musical staff 7: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals, including a quartuplet and triplets.

58

Musical staff 8: Treble clef, 3/8 time signature. The staff contains a sequence of eighth notes with various rests and accidentals, including a triplet.